

روش های تربیت فرزندان ولایت پذیر

از دیدگاه قرآن و روایات

فاطمه سادات حسینی آجای^۱

چکیده

تربیت یک فرایند پیوسته بوده که هدف نهایی آن کمال وسعادت انسان است و این کمال درمکتب اسلام همان قرب الهی است. والدین بر اساس این هدف خواهان آن هستند که فرزندانشان به سعادت برسند و بنابراین هدف روش ها و الگوهایی برای تربیت فرزندانشان به کار می‌برند. ولایت اصلی ترین و اساسی ترین آموزه دین مبین اسلام است که تعهد و پذیرش آن موجب قرب الهی و سعادت خواهد بود. بر این اساس یکی از معیارهای اصلی ایمان اسلامی، ولایت پذیری است. تحقیق حاضر به روش توصیفی- تحلیلی و با استفاده از متون اسلامی و قرآن کریم به بررسی روش های تربیتی فرزندان ولایت پذیر پرداخته و به ارائه راهکارهای مناسبی همچون آموزش اطاعت پذیری از والدین، آموزش الگوپذیری و ارائه الگوهای مناسب، پند و موعظه، ایجاد محبت اهل بیت علیهم السلام در قلب فرزندان و بیان نمونه هایی از تاریخ جهت عبرت آموزی، در جهت تربیت صحیح فرزندان ولایت پذیر دست یافته است.

واژگان کلیدی: ولایت، تربیت، ولایت پذیری، روش های تربیتی.

^۱. طلبه سطح ۲ حوزه علمیه حضرت زینب کبری سلام الله علیها ارومیه

مقدمه

از دیر باز، دغدغه فکری انسان، موضوع تعلیم و تربیت و روش‌های دستیابی به آن بوده و همواره در تمامی ادوار، این امر توجه انسان‌ها را به سوی خود معطوف کرده است. شالوده یک جامعه سالم، با تعلیم و تربیت درست شکل می‌گیرد. با تعلیم و تربیت صحیح می‌توان جامعه‌ای بالنده و پویا و صالح ساخت و در این میان والدین و مربیان نقشی سازنده و اساسی دارند. پدر و مادر مسئول سلامت و رشد جسمی و روحی و مهم‌ترین عامل سعادت و یا شقاوت فرزندان خود هستند، هر چه آنها در این زمینه سرمایه‌گذاری و تلاش بیشتری کنند نتیجه و ثمر آن را در آینده بیشتر خواهند دید. حساس‌ترین وظیفه پدر و مادر در برابر فرزندانشان، تربیت صحیح آنان است.

دستیابی به یک روش تربیتی صحیح و بدون اشکال تنها زمانی امکان پذیر است که هماهنگ با اصول و قوانین حاکم بر طبع بشر باشد و با توجه به نیازهای او شکل گیرد. اسلام شخصیت آینده کودک را مرهون تربیت و پرورش و مراقبت پدر و مادر می‌داند و برای تمام لحظات زندگی و دوران عمر افراد، دستورات خاص و مقررات ویژه‌ای دارد. از امتیازات و ویژگی‌های قرآن مجید این است که خود یک کتاب تربیتی است و همه آیات آن به طور مستقیم و غیر مستقیم در مقام تربیت انسان است. یکی از مسائل مطرح شده در اسلام، مسئله ولایت‌پذیری در تربیت فرزندان است که از دیدگاه قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام جایگاه ویژه‌ای دارد.

ولایت پیامبران و جانشینان آنها در طول تاریخ، در طول ولایت خداوند بوده و پس از ایشان ولی فقیه جایگاهی در سرپرستی و تربیت جامعه دارد. ولایت‌پذیری باور به این است که اهل بیت از سوی خداوند بر امت اسلامی حق حاکمیت دارند. حقیقت و اساس دین و طریق جریان آن ولایت است و پرداختن به هر گونه تربیت فرزندان، جز با شناخت حقیقت ولایت و شناساندن آن به فرزندان، امکان پذیر نیست. بنابراین یادگیری روش‌های تربیت فرزندان برای تربیت و پرورش فرزندان ولایت‌پذیر لازم و ضروری است. تحقیق حاضر در نظر دارد به بررسی روش‌های تربیت فرزندان ولایت‌پذیر از دیدگاه قرآن و روایات بپردازد و با دست‌یابی به این روش‌ها گامی در تحقق تربیت فرزندانی ولایت‌پذیر و جامعه‌ای ولایت‌مدار ایفا نماید. امید که این جامعه زمینه‌ساز ظهور امام عصر حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد.

در باره مبحث مهم تربیت و نیز تربیت اسلامی، علی الخصوص بعد از انقلاب اسلامی کتاب و مقالات متعددی به رشته تحریر در آمده است. از جمله کتاب نگاهی دوباره به تربیت اسلامی نوشته خسرو باقری، یا کتاب تعلیم و تربیت اسلامی نوشته محسن شکوهی یکتا که به مبانی و روش های تربیت اسلامی می پردازد. کتاب تعلیم و تربیت در اسلام نوشته استاد شهید مرتضی مطهری که به تربیت در اسلام می پردازد. کتاب نقش مربی در تربیت اخلاق معنوی نوشته محمد عالم زاده نوری، نقش مربی را در تربیت افراد مورد بررسی قرار می دهد.

همچنین مقالات متعددی درباره ولایت پذیری تدوین شده از جمله مقاله ولایت پذیری رسول خدا ﷺ از منظر قرآن و روایات، نوشته هدی سلیمی که اشاره ای به ولایت پذیری رسول اکرم ﷺ دارد همچنین مقاله جایگاه ولایت پذیری و ولایت مداری در اسلام نوشته اسماعیل خارستانی که به طور اجمال جایگاه ولایتمداری و اهمیت ولایت پذیری را در اسلام مورد بررسی قرار می دهد. مقاله تربیت در نهج البلاغه نوشته ولی الله ملکوتی فر، تربیت در نهج البلاغه را مورد بررسی قرار می دهد. نیز پایان نامه « بررسی اصول و مبانی تعلیم و تربیت از منظر علامه طباطبایی»، نوشته علی اصغر رحیمی نیا به دیدگاه علامه طباطبایی در مورد مبانی تربیت پرداخته است. اما با بررسی اسناد کتابخانه ای هیچ کتاب یا مقاله ای که به طور مستقل به روش های تربیت فرزندان ولایت پذیر پرداخته باشد یافت نشد. لذا نوشتار حاضر در نظر دارد روش های مذکور را در چهار عنوان مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد.

مفهوم شناسی

جهت روشن تر شدن هر چه بهتر موضوع این مقاله، در این بخش به تبیین و تفهیم برخی از مفاهیم کلیدی این پژوهش می پردازیم که به شرح ذیل است:

۱. تربیت

تربیت مصدر باب تفعیل از ماده ربو است. در این ریشه معنای زیادت و فزونی گرفته شده است و در مشتقات مختلف آن، می توان این معنی را به نوعی بازیافت؛ مثلاً به تپه، ربوه گفته می شود، زیرا نسبت به سطح زمین برآمده است. نفس زدن را ربو می گویند به سبب اینکه موجب برآمدن سینه است. همچنین در مفردات راغب آمده است: التَّربیه و هو انشاء الشَّیء حالاً فحالاً^۱ الی حد التَّمام^۱ ربا نیز از آن

^۱. راغب، مفردات، ذیل واژه ربو، ص ۱۸۳.

رو که زیادتى بر اصل مال است، بدین نام خوانده می‌شود. البته در زبان دین، تنها به نوع خاصی از زیادت بر اصل مال، ربا اطلاق شده نه به هر گونه زیادتى؛ فی المثل، برکت که نوعی زیادت بر اصل است یمحق الله الربا و یربى الصدقات^۱ ربا به شمار نمی‌رود. بنابراین واژه تربیت با توجه به ریشه آن به معنی فراهم آوردن موجبات فزونی و پرورش است و از این رو به معنی تغذیه طفل به کار می‌رود. در فرهنگ معین آمده است: تربیت فعل متعدی است و مصدر از باب تفعیل، ریشه آن ربو است به معنای رشد، نمو و پرورش.^۲

مفهوم تربیت به عنوان یک اصطلاح نیز از دیدگاه صاحب نظران متفاوت است: افلاطون می‌گوید: تربیت، یعنی آنچه را کمال و جمال ممکن در اختیار روح و جسم قرار داده است.^۳ تربیت، رشد طبیعی، تدریجی و هماهنگ تمام استعدادها و نیروهای موجود و مکتوم در انسان است و یا مجموع اموری که در سازندگی شخصیت روحانی انسان مداخلت دارد، تربیت نامیده می‌شود.^۴ در تعریفی دیگر تربیت به اموری محدود شده است که شخصیت روحانی انسان را شکل می‌دهد و ابعاد دیگر از شخصیت را شامل تربیت نمی‌بیند؛ ضمناً در بعضی از این جملات در مورد تربیت، هدف، روش و عواملی را که در تربیت هست به عنوان تعریف این مفهوم جایگزین نموده است.^۵ تعداد دیگری از تعاریف آمده است که: تربیت حقیقی همانا کشاندن آدمی است به سوی ارزشهای والای انسانی، چنانکه آن ارزشها را بفهمد؛ دوست بدارد و به کار گیرد. برترین معنای تربیت همانا رو کردن آزادانه و آگاهانه به ارزشها است.^۶

شکوهی در مورد تربیت اظهار می‌کند: تربیت عمل عمدی فردی رشید است که می‌خواهد رشد را در فردی که فاقد، ولی قابل آن است آسان کند. تربیت سرپرستی جریان رشد یعنی در پیش گرفتن تدابیر مقتضی برای ساختن زمینه مساعد برای رشد است. در واقع تربیت، فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل برای به فعلیت رساندن و شکوفا نمودن استعدادهای انسان در جهت مطلوب است.^۷

۱. بقره، آیه ۲۷۶.

۲. معین، فرهنگ لغات فارسی، ۱۳۷.

۳. شریف قرشی، نظام تربیتی اسلام، ۲۴.

۴. سجادی، فرهنگ معارف اسلامی، ۱۲۲.

۵. رحیمی نیا، بررسی اصول و مبانی تعلیم و تربیت از منظر علامه طباطبائی، ۶۲.

۶. نقیب زاده، نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش، ۵۱.

۷. شکوهی یکتا، تعلیم و تربیت اسلامی، مبانی و روش ها، ۴۷.

تربیت از دید شهید مطهری، پرورش دادن و به فعلیت درآوردن استعدادهای درونی است که بالقوه در یک شیء موجود است؛ از این رو، کاربرد واژه تربیت فقط در مورد جانداران صحیح است؛ بنابراین، تربیت در انسان به معنای پرورش دادن استعدادهای او است و این استعدادها در انسان عبارت است از: استعداد عقلی (علمی و حقیقت جویی)، استعداد اخلاقی (وجدان اخلاقی)، بعد دینی (حس تقدیس و پرستش)، بعد هنری و ذوقی یا بعد زیبایی و استعداد خلاقیت، ابتکار و ابداع.^۱

تربیت به معنی به فعلیت رساندن استعداد و به کمال رساندن مستعد کمال است.^۲ مربی یک کار بیشتر انجام نمی‌دهد و آن کمک به پیدایش «تغییر رفتار» در دانش آموز یا مربی است؛ اگر چه این عمل او را ممکن است با دو کلمه تعلیم و تربیت تعبیر کرد.^۳

۲. روش تربیتی

روش تربیت به طور کلی عبارت از فنون، شیوه‌ها و رفتارهایی است که اهداف و اصول تعلیم و تربیت را به ثمر می‌رساند و به آنها عینیت می‌بخشد و بنا بر تعریفی دیگر، روش‌های تربیتی شیوه‌هایی است که با استفاده از آن فرد می‌تواند تعلیمات و معارف حق و اخلاق پسندیده را در خود یا دیگری پیاده کرده و عمق بخشد و ناپاکی را از صفحه دل و روح خود یا دیگری بزداید.^۴ بر این اساس، آن دسته دسته از دستور العمل‌های جزئی که در قرآن و روایات مورد اشاره قرار گرفته و والدین را در تربیت فرزندان ولایت پذیر یاری می‌دهند، مورد نظر این تحقیق است.

۳. ولایت

ولاء، ولایت (به فتح «واو» در ولایت)، به کسر «واو» در «ولی، مولی، اولی» و امثال اینها همه از ماده «ولی» (و، ل، ی) اشتقاق یافته‌اند.^۵ «ولایت» واژه‌ای عربی است که از کلمه «ولی» گرفته شده است. در لغت عرب، «ولی» به معنای آمدن چیزی است در پی چیز دیگر، بی‌آنکه فاصله‌ای در میان آن دو باشد که لازمه چنین توالی و ترتبی، قرب و نزدیکی آن دو به یکدیگر است. از این رو، این واژه با

۱. مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۲۰-۲۲ و ۵۷-۶۹.

۲. حائری شیرازی، انسان شناسی، ص ۲۱.

۳. شعاری نژاد، فلسفه آموزش و پرورش، صص ۱۳۸۸: ۲۴۳.

۴. موسوی کاشمری، روش‌های تربیت، ص ۱۵.

۵. مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۶.

دارند.^۱ اما محبت تنها یک علاقه قلبی ضعیف و خالی از اثر نیست، بلکه باید آثار آن در عمل انسان انعکاس یابد. مهم‌ترین آثار محبت عبارتند از: حرکت‌آفرینی و پویایی، اطاعت‌پذیری، لذت‌بخشی انس با محبوب و کسب احساس آرامش، اطمینان و امید به آینده. از میان این آثار، تلازم اطاعت با محبت در ارتباط با بحث ولایت‌مداری قابل تبیین است، چنان‌که آیه ۳۱ سورة آل عمران قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ، بر تلازم محبت و اطاعت دلالت دارد. این آیه نشان می‌دهد، آنان که پیوسته دم از عشق و محبت پروردگار و اولیای الهی می‌زنند، ولی رفتاری کاملاً مخالف با خواست و اراده خدا و اولیای او دارند، مدعیانی دروغین بیش نیستند. اطاعتی که ناشی از محبت است، در اطاعت از فرمان الهی و پرهیز از گناه، نمود پیدا می‌کند.^۲

یکی از راه‌های رسیدن به تربیت ولایی، آشنا کردن فرزندان با اهل بیت (علیهم‌السلام) و ایجاد محبت آنان است زیرا زیر بنای اسلام حب است و آیه شریفه قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَ يُغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ^۳ بشر را از راه ولایت، به پیروی رسول خدا ص دعوت می‌کند. بر کسی که مدعی ولایت خدا و دوستی اوست، واجب است از رسول خدا پیروی کند تا به ولایت خدا و به حب او منتهی شود. محبت‌ورزی و اطاعت‌پذیری در برابر ولی خدا، از برجسته‌ترین شاخصه‌ها و ویژگی‌های فرد ولایت‌مدار است. البته باید توجه داشت که محبت به ولی خدا در پرتو محبت به خدا و فرمانبری از آنها، اطاعت از خداست.

از موضوعاتی که در مسئله تعلیم و تربیت فرزند مطرح شده آن است که پدر و مادر، فرزند را بر دوستی علی بن ابیطالب (علیه‌السلام) و فرزندان او تربیت کنند، زیرا مایه سعادت دنیوی و اخروی است چنان‌که رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) خطاب به یکی از انصار فرمود: ادبوا اولادکم علی ثلاث خصال، حب نبیکم و حب اهل بیته و قرايه القرآن فرزندان‌تان را با محبت من و محبت خاندان من و محبت قرآن تربیت و تادیب کنید.^۴ عشق به اهل بیت (علیهم‌السلام) زمینه ساز عشق به خداوند است و دوست داشتن اهل بیت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) مهر ورزیدن به ارزش‌های والای الهی می‌باشد.

۱. بقره، آیه ۱۶۵.

۲. خارستانی، جایگاه ولایت‌پذیری و ولایت‌مداری در اسلام، ص ۹۵.

۳. آل عمران، آیه ۳۱.

۴. متقی، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۵۶.

رسیدن به قله رفیع کمالات معنوی و انسانی بدون دوستی اولیاء الهی ممکن نیست و پذیرش اعمال و زحمات یک مسلمان در گرو محبت و ولایت اهل بیت علیهم السلام است. از رسول صلی الله علیه و آله نقل می کنند: لا تزول قدما عبد يوم القيامة حتى يسأل عن اربع ... و عن حبنا اهل البيت؛^۱

زمانی که فرزندان با فضایل اهل بیت علیهم السلام آشنا می شوند علاوه بر این که شناخت عمیق تری از آنان پیدا می کنند محبت آنان نیز در قلبشان ریشه می دواند و رشد می کند و همین امر زمینه را برای پذیرش امامت آنان نیز فراهم می آورد. اثر تربیتی دیگری که می تواند داشته باشد الگوسازی است، وقتی مخاطب با افرادی آشنا می شود که بسیاری از صفات عالی انسانی در آنها جمع شده ان افراد را به عنوان الگوی زندگی خود انتخاب می کند و سعی می کند در زندگی نیز در حد توان مانند ان افراد زندگی کند. البته برای بیان فضایل اهل بیت می توان با توجه به سن و میزان پذیرش فرزندان، از قالب های شعر، قصه و حکایت استفاده نمود.

زنده نگه داشتن یاد اهل بیت علیهم السلام بویژه برپایی مراسم سوگواری امام حسین علیه السلام و یا شرکت دادن فرزندان در این مجالس علاوه بر فراهم نمودن زمینه برای آشنایی با معارف دینی و آشنایی با اهداف و راه و رسم زندگی آنها، موجب برقراری ارتباط معنوی فرزندان با اهل بیت علیهم السلام خواهد شد. هر قدر محبت و دلبستگی و ارتباط قلبی با ائمه اطهار علیهم السلام بیشتر باشد، تبعیت و همرنگی و همراهی و همدلی با آن ها نیز بیشتر خواهد شد. نقش عشق و محبت در ایجاد همسانی، همفکری و همراهی و هم سویی بسیار مهم است و مردم پیوسته از چهره های محبوبشان الگو و سرمشق می گیرند. ایمان عاطفی به رهبری حتی در اطاعت سیاسی و اجتماعی هم تاثیر می گذارد و زمینه ساز تبعیتی عاشقانه می شود نه یک اطاعت رسمی و تشریفاتی. در این صورت میان شناخت، عشق و پیروی رابطه ای مستحکم به وجود می آید، زیرا معرفت محبت و محبت ولایت و تبعیت به دنبال خواهد داشت.

امام علی علیه السلام در رابطه با درجات گوناگون دلباختگان اهل بیت علیهم السلام و نتیجه آن می فرماید: من احبنا بقلبه و اعاننا بلسانه و قاتل معنا بیده فهو معنا فی الجنة فی درجتنا، و من احبنا بقلبه و اعاننا بلسانه و لم یقاتل معنا اعداءنا فهو اسفل من ذلک بدرجه و من احبنا بقلبه و لم یعنا بلسانه و لا بیده فهو فی الجنة؛^۲

۱. مفید، امالی مفید، ص ۳۵۳.

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۰۷.

هر کس ما را در دل دوست داشته باشد و با زبانش یاری کند و با دستش به دفاع از ما برخیزد (یعنی با تمام وجود دلباخته ما باشد)، در بهشت هم درجه و همنشین ما خواهد بود و هر که ما را با دل دوست بدارد و با زبان یاری کند و همراه ما با دشمنانمان نجنگد، یک درجه پایین تر خواهد بود و هر که با قلبش ما را دوست دارد ولی با زبان و دست به یاری ما نشتابد، در بهشت خواهد بود. مهرورزی به دیگران یک نیاز فطری است، اما چه زیباست که انسان در بذل محبت، خوبان و برترین ها را برگزیند.

نتیجه گیری

از مهم ترین اصول اسلام، ولایت است. ولایت به معنای پذیرفتن رهبری پیشوای الهی و نیز اعتقاد به این که امامان معصوم علیهم السلام پس از پیامبر اسلام ﷺ از سوی خداوند بر مردم ولایت دارند و در زمان غیبت ایشان فقیه جامع الشرایط با نصب الهی به امور مسلمین و جهانیان رسیدگی خواهد کرد. نظام سیاسی اسلام و شیوه حکومتی دین بر پایه ولایت است و ملاک مسلمانی از دیدگاه شیعه ولایت پذیری است. بشر برای پیمودن راه سعادت چاره‌ای جز تبعیت و پیروی از فرامین راهنمایان الهی ندارد بدین جهت هرگاه مسلمانان حول محور ولایت جمع شده و تابع بی و چون و چرای ولایت بوده‌اند پیروزی و سعادت دنیا و آخرت را کسب نموده‌اند. خانه مهم‌ترین پایگاه آموزش و نهادینه کردن فرهنگ ولایت‌پذیری در درون فرزندان و اعضای خانواده است؛ بنابراین ولایت‌پذیری برجسته‌ترین خصوصیت خانواده دینی است.

از دیدگاه دین اسلام احترام به پدر و مادر یکی از ارکان مهم ولایت‌مداری است. در مکتب اسلام پدر حکم ولی را بر خانواده دارد و اطاعت از او واجب است، مگر اینکه امر به کار منافی با فرمان الهی کند که در این صورت اطاعت واجب نیست. فرزندان که ولایت پدر را نپذیرند و به او احترام نگذارند در جامعه نیز قانون‌مدار و مسئولیت‌پذیر نخواهند بود. اگر حرمت پدر از بین برود به سختی می‌توان فرزندان را دین‌دار و ولایت‌مدار بار آورد. به دنبال ولایت‌مداری، نظم در جامعه برقرار خواهد شد.

علاوه بر این رفتار والدین مهم‌ترین عاملی است که می‌تواند فرهنگ ولایت‌پذیری را در خانواده و پس از آن در جامعه نهادینه کند. والدین علاوه بر این که باید الگوهایی ولایت‌پذیر را به فرزندانشان معرفی نمایند خود نیز باید الگویی مناسب برای فرزندانشان باشند. ولایت‌پذیری پدر و مادر تأثیر بسزایی در حق‌پذیری فرزندان دارد، والدین باید با محبت فرزندان‌شان را با مفهوم ولایت خدا و اهل بیت ﷺ آشنا کنند.

همچنین ایجاد محبت اهل بیت علیهم السلام در روح و جان فرزندان، دادن پند وموعظه به فرزندان و صحبت از عاقبت افرادی که مطیع امر ولی نبودند وشقاوت دنیا و آخرت نصیب حالشان شد، همه از راهکارها و روش های تربیتی برای داشتن فرزندان ولایت پذیر است.

فهرست منابع

*قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرایع، چاپ پنجم، ترجمه سید محمدجواد ذهنی، قم، انتشارات مومنین، ۱۳۸۴.
۲. ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند الامام احمد بن حنبل، بیروت، موسسه الرساله، ۱۴۱۶ق.
۳. افروز غامعلی، روانشناسی و تربیت (کودکان و نوجوانان)، چ ۸، تهران: انتشارات سازمان انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۸.
۴. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران، مدرسه، ۱۳۸۵.
۵. جوادی آملی، عبدالله، وحی و رهبری، تهران، انتشارات الزهرا، ۱۳۹۶.
۶. حائری شیرازی، محی الدین، انسان شناسی، قم، شفق، ۱۳۷۲.
۷. حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، قم، آل علی ع، ۱۳۸۲.
۸. خارستانی، اسماعیل، مقاله « جایگاه ولایت پذیری و ولایت مداری در اسلام»، فصلنامه سراج منیر، دوره ۵، شماره ۱۷، ۱۳۹۳.
۹. دلشاد تهرانی، مصطفی، ماه مهرپرور، انتشارات خانه اندیشه جوان، ۱۳۷۹.
۱۰. ذو علم، علی، تجربه کارآمدی حکومت ولایی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۰.
۱۱. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، تهران، مکتب مرتضوی، ۱۳۶۲.
۱۲. رحمانی، امیر، بررسی فقهی مدیریت در روابط زن و شوهر، تهران، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۶.
۱۳. رحیمی نیا، علی اصغر، پایان نامه « بررسی اصول و مبانی تعلیم و تربیت از منظر علامه طباطبایی»، دانشگاه امام حسن ع، ۱۳۸۸.
۱۴. سجادی، سیدجعفر، فرهنگ معارف اسلامی، تهران، کومش، ۱۳۵۷.
۱۵. سلیمی، هدی، مقاله « ولایت پذیری رسول خدا ص از منظر قرآن و روایات»، فصلنامه مطالعات قرآنی، سال پنجم، شماره ۱۸، ۱۳۹۳.
۱۶. سیاح، احمد، فرهنگ بزرگ جامع نوین، ترجمه المنجد، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۸۶.
۱۷. شریف قرشی، باقر، نظام تربیتی اسلام، تهران، فجر، اداره کل تبلیغات و انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲.
۱۸. شعاری نژاد، علی اکبر، فلسفه آموزش و پرورش، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۸.

۱۹. شکوهی یکتا، محسن، تعلیم و تربیت اسلامی، مبانی و روش ها، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران، وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۷.
۲۰. طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳.
۲۱. عالم زاده نوری، محمد و دیگران، نقش مربی در تربیت اخلاق - معنوی، تهران، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۲.
۲۲. عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، قم، موسسه آل البيت، ۱۴۱۲ق.
۲۳. عمید، حسن، فرهنگ لغت فارسی، تهران، چاپخانه سپر، ۱۳۵۹.
۲۴. کلینی، حمدين يعقوب، اصول کافی، ج ۱، ترجمه حسين استادولي، قم دارالثقلين، ۱۳۹۳.
۲۵. لطیفی پاکیده، لطفعلی، تحلیل انقلاب اسلامی، تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵.
۲۶. متقی، علی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، دار احیا التراث العربی، ۱۴۳۱ق.
۲۷. مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۷، قم، دارالکتب الاسلامیه، ص ۱۲۹.
۲۸. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۷.
۲۹. مظلومی، رجبعلی، دین و جوان تهران، انتشارات آفاق، ۱۳۸۶.
۳۰. معین، محمد، فرهنگ لغات فارسی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱.
۳۱. مفید، امالی مفید، قم، جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۰۳ق.
۳۲. ملکوتی فر، ولی الله، تربیت در نهج البلاغه، سبزوار، امیدمهر، ۱۳۸۸.
۳۳. موسوی کاشمیری، مهدی، روشهای تربیت، قم، دفتر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹.
۳۴. نقیب زاده، میرعبدالحسین، نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش، تهران، انتشارات طهوری، ۱۳۷۳.